

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائزه محمودی

۱۰ مارچ ۲۰۲۳

## مبارزات آزادی زنان جهان و جریان آزادی زنان افغان در صد سال اخیر

(۳)

بیا ای زن به پا شو بهر هستی

تو استی، هستی ساز در بحر هستی

تو خالق، سرپناه، دلسدار به دنیا

به پا کن انقلاب در شهر هستی

«فائزه محمودی»

باید بگویم که در وقت حکومتداری و مدیریت امان الله خان دولت شورا ها که در اکتوبر ۱۹۱۷ با پیروزی انقلاب پرولتری ایجاد شده بود، اولین مملکتی بود که دولت امانی را به رسمیت شناخت. همچنان از کمک های مادی و معنوی دریغ نمی کردند که کمک های معنوی آنان زیاده تر کتاب بود که با منور کردن ذهنیت مردم ما نقش عمده داشت. جوانان آزادیخواه و روشنفکر به توده خلق این را می آموختند که زحمتکشان و زنان کشور ما می توانند مثل زحمتکشان و زنان دولت شورا ها به آزادی برسند. کار با درآمد بیرون از چوکات خانه، همچنان حق رای، حق ازدواج و مخصوصاً حق تحصیل و دانائی را که کلید موفقیت تمام مشکلات جهان و مردم آن است؛ به دست آرند و مردم ما همچنان باید برای یک انقلاب سرخ و مردمی کار کنند و زنان خود را از دو حلقه اسارت (ستم طبقاتی و ستم جنسیتی) بیرون نمایند.

باید باز متذکر شوم که آزادی زن مطلقاً مربوط می گردد به آزادی یک جامعه و آزادی مرد، و تا مردان تحت ستم یک جامعه آزاد نگردند و جامعه بدون ستم و استثمار به وجود نیاید، آزادی زن وجود نخواهد داشت و بعکس. البته ما که از جنبش آزادیخواهی زنان در صد سال اخیر صحبت می کنیم، باید از تمام جنبش های این زمان نیز صحبت کنیم.

پس از قتل نادر غدار و زجرکش کردن عبدالخالق، خاندان نادر غدار برای سوختاندن چشم مردم و نشان دادن این که ایستادن در برابر ارباب قدرت و تجاوز به ارباب (محمد زائی)، این نتیجه را دارد.

دوران چهل سال پادشاهی ظاهر شاه در وطن با دو نوبت استبداد (هاشم خانی و داوودی) و عقب نشینی و نرمش ( صدارت شاه محمود و دموکراسی تاجدار) گذشت. با وجود استبداد و ظلم و کشتار، مبارزه بر ضد آن به اشکال مختلف ادامه داشت.

در ادامه مبارزه، جراید و احزاب "وطن" توسط "غبار" و "انگار" که همه آنان از وطن پرستی سخن می رانند و مردم دوست بودند و دیگر "ویش زلمیان" که از داوود و دار و دسته آنان بود، از برتری قوم پشتون پشتیبانی می کردند که ترکی با آنها همراه بود. جریده "ندای خلق" و "حزب خلق" به رهبری "داکتر عبدالرحمن محمودی" بود. این آزادی بسیار ناچیز هم بود، اما به زنان ما اجازه رفتن به مدرسه و تحصیلات به خارج رفتن را داد که یکی از مثال های عمده آن مبارزات زنان افغان، ماگه رحمانی بود که در آن زمان با دادن یک آزادی قلبی به محصلان افغان، اتحادیه محصلان را ساخته بودند. روزی ماگه رحمانی که یکی از شاگردان داکتر محمودی فقید بود، در یکی از محافل محصلان پوهنتون چادر خود را بیرون انداخت و به محصلان گفت ما باید مانند دوران امانی برای پیشرفت زن و رها از دو ظلم آن مبارزه کنیم که دولت غدار ظاهر شاهی او را از فاکولته اخراج و برای مدت زمان پنج سال در حبس خانگی نگه داشت. پس از مدت سه سال با وجود آمدن "جنبش هفتم شورا" این آزادی درباری لغو گردید و باز به زور ضربه، کشتار، زندان و مجازات، پایان یافت. فعالان و مبارزان مشهور مشروطه خواهی مثل فیض محمد انگار، میر غلام محمد غبار و داکتر محمودی و چندین انسان مبارز دیگر مانند سرور جویا را زندانی کردند و باز هم استبداد خانواده شاه و کاکا هایش به صدارت داوود، دو باره اوج گرفت.

طی این مدت استبداد و نرمش نسبی در سیاست نظام سلطنتی آل یحیی، در نتیجه مبارزات پیگیر مبارزان واقعی و هم چنان بنا به اقتضای منافع طبقات حاکمه و نظام حاکم که با هزار رشته با سوسیال امپریالیسم شوروی، امپریالیسم و سرمایه مالی پیوند یافته بودند، عقب نشینی هائی صورت گرفت. امتیاز های نسبی و ناچیزی در عرصه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از جمله به زنان داده شد. برای دموکراتیک نمائی و روی ضرورت تعلیم دختران مربوط به خانواده های طبقات حاکم فنودال و بورژوازی دلال شهری و در عین حال برای نفوذ فرهنگی برخی از دول استعمارگر غربی، در زمان ظاهر شاه "لیسه عالی زرغونه" را تحت اداره انگلیس، "لیسه عالی ملالی" را تحت نظرات و اداره فرانسه و "لیسه نجات" را با کنترول المان ایجاد کردند.

به تعقیب کم کم مکاتب ابتدائی و متوسطه و لیسه را در کابل و ولایات کشور به میان آوردند که با کنترول انگلیس، حضرت ها و دولت مستبد اداره می شد.

زنان افغان که فکر کنم در زمره هوشیار ترین زنان دنیا باشند، اما به علت این که مانند حیوانات و به حیث مال حساب و خرید و فروش می گردند، از جمله عقب مانده ترین زنان باشند. این زنان محکوم شرایط غیر انسانی بوده اند.

بر طبق فرهنگ به ارث رسیده پدرسالار، پدر که زن و اولاد خود را مالکیت شخصی خود می داند، آنان را تا حد توان استثمار می کند و هیچ نوع آزادی برای اوشان قائل نیست؛ چون هم از نگاه مالکیت و هم از نگاه مذهب او با فشار و با شست و شوی مغزی به آنان حق فکر کردن و حق تحصیل را نمی دهد. این در تمام خانواده ها رایج بوده است که اگر طفلی کاری بدون قوانین مروج خانواده را می کرد، باز مادر می گفت وقتی پدرت آمد جزایش را خواهی دید. از گذشته ها تا حال، لت و کوب زنان و دختران و آله شهوت مردان بودن، در جامعه ما مروج بوده است. هر وقت مرد می خواست چه زن کاری بدی کرده بود و یا خیر، توسط مرد حتی تا سرحد خونریزی کتک می خورد و می خوردند. همچنان سکس مطلقاً در اختیار مرد بود که مرد هر وقت می خواست با خانم و خانم های خود سکس داشته باشد، آموزش های قرآنی و سنت نبوی نیز به مرد چنین امتیازی را اعطا کرده و از زنان مسلمان می خواهند تا این خواست

شوهران خود را در هر حالی اجابت کرده و برآورده سازند. اما با وجود این تعداد زیاد زنان و خانواده های منور آن با هم یکجا شده و زنان عادی در داخل و واسطه داران در خارج تحصیل کردند.

دوران دموکراسی تاجدار شاهد حادثه سوم عقرب، تبارز حرکت روشنفکری در کانون های علمی - تحصیلی شهری، ایجاد اتحادیه محصلان پوهنتون کابل و ایجاد احزاب، سازمان های سیاسی و نشر جراید علنی و تظاهرات روشنفکری بود. علاوه از ایجاد "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" به دستور شوروی ها در نقش ستون پنجم آن دولت استعمارگر و "سازمان جوانان مسلمان" در نقش نمایندگان سیاسی فئودالیسم و جراید هر یکی، در ۱۳۴۷ش هفته نامه "شعله جاوید" (ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین) نیز به اشتراک چند محفل روشنفکری و "سازمان جوانان مترقی" توسط ( محفل یاری ها) و (محفل محمودی ها) در ۱۳۴۴ش ایجاد شد. در این جا ما تنها از مبارزات زنان صحبت خواهیم کرد، لکن بسیار مختصر.

در یک سمت، "حزب دموکراتیک خلق" و جریده "خلق" و جز انشعابی آن "پرچم" در عین مزدوری به کرملین، از طرف خاندان شاهی و داوود اداره و کنترل می شد. در این وقت دولت شاهی مرادوات و قرارداد های اسارتباری با دولت سوسیال امپریالیستی شوروی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی برقرار کرده بود. همه زنان آن حزب هم از جمله دختران خوانین، ارباب زاده ها و طبقات ملاک و سرمایه دلال دار و بوروکرات ها بودند که علاوه از تبلیغ سیاست تحمیلی ارتجاعی دولت ضد انقلابی شوروی را که عبارت از "مبارزه مسالمت آمیز" و "راه رشد غیرسرمایداری" بود، برای آرایش چهره کریه نظام سلطنتی کوشیده و ظاهر شاه را از زبان ببرک شیاد "دموکرات ترین" شاه آسیا می نامیدند.

در سمت دیگر زنان "جریان شعله جاوید" که نمایندگی از رنج های مداوم و بیکران زحمتکشان کشور می کردند، که زنان و دختران جوان برای رهائی زنان ستمدیده و فاقد حقوق اجتماعی در مظاهرات سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ش در آن جریان اشتراک می کردند. در عین زمان مبارزاتی مخفی و نشست و برخاست های بسیار زیاد واقع می شد که من این همه مبارزات را با چشم دیدم و با پوست احساس کردم. این مبارزات عمومی که دختران و زنان افغان بود یک مؤثریت زیاد در جامعه ما پیدا کرد.

جریان تاریخی نیرومند و با عظمت "شعله جاوید" با وجود کار های بسیار مهم و به جنبش آوردن شهر کابل و تمام ولایات دیگر، باز هم تنها یک جنبش روشنفکری بود که با وجود این که صد ها هزار نفر خوب و بد به دور آن جمع شده بود، نتوانست که عمیقاً در بین توده های اصلی کارگر و دهقان کشور ریشه دوانیده و خصلت توده ئی یابد.

این جنبش های روشنفکرانه با وقوع کودتای کودتای نظامی داوود در همسویی با توسعه طلبی تزاران نوین در ۱۳۵۲ش و مسئولی شدن استبداد بر فضای سیاسی کشور، دو باره سرکوب شده و به خاموشی گرائید.

سردمدار جمهوریت قلابی - داوود شاه - پس از پنج سال حکومت خشن و استبدادی بر مردم افغانستان و گیر کردن در جال عنکبوتی تنیده شده توسط سوسیال امپریالیسم استعمارگر و توسعه طلب شوروی، وقتی خواست ارباب عوض کند، آن قدرت استعماری او را توسط دست نشانده های خود از بین برد و کودتای ننگین ثور به وجود آمد. کودتاگران ۷ ثور شاهرگ های مردم شریف وطن ما را بریده، وطن را دو دسته به امپریالیسم روس دادند که تجاوز و اشغالگری نظامی آن قدرت استعماری را در پی داشت. با شکست آن استعمارگر متجاوز و نوکران وطنی اش، ارتجاع فئودالی - کمپرادوری با نمایندگان سیاسی شان در وجود احزاب اخوانی جهادی و طالبی به دلیل حمایت فعال و دست درازی امپریالیست های غربی و دول ارتجاعی همسایه و منطقه؛ جای آن را گرفت. پس از آن در ۲۰ سال اخیر امپریالیسم امریکا و متحدانش در سازمان نظامی ناتو این کشور را اشغال و همدست با ارتجاع داخلی در عین ستم بر زحمتکشان

افغانستان، با فرستادن زنان آرایش کرده از میان مزدوران خودفروخته مدنی و تسلیم طالب خود بر سر ستیزها، سفرها، پارلمانها برای تقدیر از اشغالگران بابت کشتار مردم افغانستان و قبول خائنانه تحایف و مدالهای آن دول اشغالگر، سرنوشت و داعیه برابری طلبی زنان کشور ما را به سخریه گرفتند. در ختم دروه اشغالگری ۲۰ ساله امپریالیستهای سازمان ناتو به رهبری امریکا، تقریباً ۱۸ ماه می شود که گروه اجیر مرتجع و ضد زن طالبان به طور مصلحتی و سازشی توسط امپریالیسم امریکا بر اریکه حکومت اسلامی نصب شده است.

از کودتای ۷ ثور تا امروز، حدود ۴۵ سال می شود که جنگ ویرانگر تجاوزکارانه و ارتجاعی، استثمار، بی حقوقی زنان، و انواع ستم بر خلق زحمتکش کشور به شمول زنان و مردان ادامه دارد و زنان در این میان بیشتر ستم می کشند. با وجود تعویض پی در پی رژیمهای مزدور، وابسته و ارتجاعی و دو نوبت اشغال نظامی کشور، و با وجود تغییرات فرهنگی، علمی، تکنولوژی، ارتباطات و اجتماعی به حیث زمینه های بیداری توده های ناآگاه و به خصوص زنان کشور، زنان وطن هنوز هم در بند اند و زنجیرهای ستم و استثمار شدید بر دست و پای شان سنگینی کرده و فرسنگ ها از آزادی به دور اند و تازه به دلیل جنایت جدید امپریالیستهای غربی، تحت مظالم و تبعیض جنسیتی طالبان وحشی، مرتجع و زن ستیز قرار گرفته اند.

بررسی این جریان ۴۵ ساله ستم رفته بر زنان افغانستان و تلاش های زنان و مردان کشور در راستای رهایی زنان، باید در یک مقاله دیگر روی دست گرفته شود.

دوستان گرامی، دیالکتیک به ما می آموزد که سیر تکامل بشریت با مبارزه میسر است. تاریخ مبارزه طبقاتی و تاریخ استعمار این را به ما می گوید که جنگ، ستم، استثمار و استعمار، نظم دلخواه بشریت نیست. امپریالیسم امریکا زمانی بعد از جنگ جهانی دوم عروج کرد حالا دور نزولش رسیده است. مردمان جهان چه آسیائی، افریقائی و امریکای لاتین و زنان بی حقوق و ستمکش این قاره ها آزادی خود را در تحت درفش سوسیالیسم علمی در جریان مبارزات طولانی و دشوار رهائیبخش و مبارزه طبقاتی با بهره گیری از کلیه اشکال مبارزه، به خصوص مبارزه قهرآمیز، به دست خواهند آورد و جهان بدون ستم، استثمار و شکنجه جسمی و روحی را نیز.

**گرامی باد هشتم مارچ روز همبستگی زنان زحمتکش جهان!**

**پیروز باد جنبش سرتاسری خلق های جهان!**